

هوش مصنوعی تهدید نیست، تسهیلگر پژوهش است

در سوم اسفند دانشجویان ایران دوست در برابر جریان رادیکال ایستادند

دانشگاه کودتاگش



فرهیختگان

دانشگاه

توانمندی یک شرکت دانش بنیان برای کاهش گازهای آلاینده کارخانه‌ها

کسب دانش طراحی کاتالیت برای صنایع مختلف



در سوم اسفند دانشجویان ایران دوست در برابر جریان رادیکال ایستادند

دانشگاه کودتاگش



برای ایران دوستان و علاقه‌مندان به این سرزمین، برخی تاریخ‌ناشناهای فراموش‌نشدنی هستند که گذشت‌دهه‌ها و دهه‌ها می‌نمی‌تواند از اهمیتشان بکاهد. دیوژی که گذشت سالگرد یکی از همین وقایع مهم تاریخی بود. ۱۰۵ سال قبل با کودتای نظامی نخستین دولت دست‌نشانده تاریخ ایران به قدرت رسید. یک قرن و چند سال بعد از این تاریخ در حالی که توسل به ادوات نظامی نتیجه نداد، همان خارجی‌ها در تدارک اقدام مشابیهی، از هیچ جانی برای کنار زدن اراده ملت ایران فروگذار نکردند؛ نه جان و ناموس، نه کتابخانه و مسجد، نه دارایی‌های عمومی و خصوصی از گزند عملانشان در امان نماند. ۱۰۵ سال قبل با سوءاستفاده از وضعیت نامطلوب جامعه، دولت انگلیس کودتایی طراحی کرد که با تصرف تهران نتیجه داد؛ نقشه‌ای که دی‌ماه امسال تکرار اما نقش بر آب شد. کودتای سوم اسفند را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد و دنباله‌خوری قدرت‌طلب پهلوی - که در مسیر رسیدن به هدف هیچ ابایی از خون و خونریزی مردم بی‌گناه نداشت - را گرفت. برای آن، چنان‌که نوشته‌اند باز هم می‌توان نوشت، اما مسئله اصلی این چند خط، آن نیست، این تداعی تاریخی بهانه‌ای بود برای آنکه ارزش کار دیروز جوانان مبین‌پرست و ایران‌دوست در برخی دانشگاه‌ها بیشتر نمایان شده‌اند آن هم در برابر رفتار عمداً که داعیه‌دار عزادری سرگ عزیزانی هستند که در آتش‌تگری یک عنصر هم‌نشین پادشاهان هم‌خواریان چاشنان فداشدو اوردا و کشتن به شهادت آن‌ها صاف باسخت‌داده که این جنگ است و هر جنگی تلفات دارد»

تجمعات سکوتی که ساکت نماند!

پس از اتفاقات عجیب روز شنبه در دانشگاه شریف، برخی دانشگاه‌های دیگر تهران هم امروز شاهد بروز رفتارهای مشابهی بود. فراخوان تحصن سکوت بار دیگر در دانشگاه شریف اعلام شد و به غیر از این دانشگاه در فضای امیرکبیر، علم و صنعت، خواجه نصیر، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشگاه تهران هم تجمعاتی در پاسداشت خون‌های شهادت ۱۸ و ۱۹ ماه‌برگزار شد. برخی از این تجمعات اما با سوءاستفاده جریان رادیکال تبدیل به عرصه‌ای برای زدودن اخلاق از چهره دانشگاه شد؛ جایی که شعارهای تند بدون هیچ سنخیتی با سنگ به سمت مقابل پرتاب می‌شدند. نمونه‌اش دسته عزای دانشجویان دانشگاه تهران بود. درحالی که دانشجویان با دردمند داشتن بلاکارها و تصاویر شهدا و سردان شاعرهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و «پازگشت شاه خائن ازهی خیال باطل»، در حال اعلام بی‌زاری خود از نفوذ و دست‌اندازی خارجی در امور داخلی کشور بودند. عدل‌های به‌ظاهر دانشجو، نسبت به این اجتماع و اکتش‌های تند نشان دادند که حتی به زدوخورد هم مجروح شدن چند دانشجو هم رسید. البته مشابه این اتفاق در فضای چند دانشگاه دیگر هم رخ داد.

قاتل هرچی جوان؛ شعارش سه سال خون!

دانشجویان دانشگاه تهران در بیانیه خود تأکید کردند آمریکا باید پاسخ خون‌ریخته شده دی‌ماه را بدهد. معاون سیاسی سپنج دانشجویی دانشگاه تهران هم در این تجمع با بیان اینکه حدود ۳ هزار نفر در فتنه و کودتای آمریکا کشته شدند، تأکید کرد: «برخی از اینکه بگویند مرگ بر آمریکا می‌ترسد. امروز آمده‌ام برای اعتراض به کسانی که ساکت بودند. از امروز همه باید موضع بگیرند، استادی نباید در دانشگاه‌ها باشد که علیه آمریکا موضع نگیرد.»

رادیکال‌ها از دانشگاه چه می‌خواهند؟

اتفاقات دوروز اخیر در برخی دانشگاه‌ها بدون شک بر روند معمول فعالیت مراکز علمی و آموزشی کشور تأثیر خواهد گذاشت؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد عدل‌های به‌مانند برخی برهه‌های قبل خواسته یا ناخواسته به دنبال آن هستند. درحالی که رئیس دانشگاه شریف روز گذشته از تلاش برای حفظ جریان عادی فعالیت دانشگاه سخن گفت و به اهمیت آن در زمان اعلام تهدیدات اخیر خارجی سخن گفت، برخی دانشجویان تا آگاه در تلاشند تا به اسم پاسداشت خون عزیزان گلگون‌کفن ایران، فضای دانشگاه را زیل اصلی خود خارج کنند. ما حاصل این تلاش در فضای علمی به جز وقعه در جریان علم و پژوهش به انسداد سیاسی دانشگاه هم منجر خواهد شد. وقتی پاسخ کلمه سنگ باشد یا گروه‌های رسمی و فعالیت‌های معمول دانشجویی جای خود را به دشنام‌گویی و شکستن شیشه و چاقو‌کشی بدهند، طبیعی است صحبت از گفت‌وگو و آزاداندیشی در دانشگاه از معنا تهی خواهد شد.

از مقاله تا سیاست؛ حلقه مفقوده مدیریت تغییر اقلیم در کشور

ضعف‌های بنیادین سیاست‌گذاری اقلیمی در ایران، فقدان یک جمع‌بندی نظام‌مند و سیاست‌محور از انبوه پژوهش‌های علمی انجام‌شده در حوزه تغییر اقلیم، آب، خشکسالی، بیابان‌زایی و مخاطرات مرتبط است. طی دو دهه اخیر، صد‌ها مقاله علمی، پایان‌نامه و گزارش پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور درباره روندهای دمایی، کاهش بارش، افت منابع آب زیرزمینی، خشکسالی‌های هوشناختی و آب‌شنناختی و پیامدهای اجتماعی آن‌ها تولید شده است؛ بااین حال، این دانش انباشته به‌ندرت در قالب سنتز علمی یا فراتحلیل‌های سیاست‌محور گردآوری و ترجمه شده است. از منظر سیاست‌پژوهی، نبود اولویت‌بندی مواجهه با مشکل، به تازجه، با شواهد علمی استفاده‌کننده‌ها به‌صورت گزینشی و موردی به آن‌ها رجوع شود. بسیاری از پژوهش‌های اقلیمی در دانشگاه‌ها به سطح سیاست‌گذاری راه‌پیدا نمی‌کنند و به ابزارهای اجرایی، سناریوهای تصمیم‌یار یا ارزیابی‌های پیشینی سیاست تبدیل نمی‌شوند. افزون‌بر این، بخشی‌نگری نهادی موجب شده سیاست‌های آب، کشاورزی، انرژی و توسعه شهری بدون توجه کافی به ملاحظات اقلیمی و بدون هماهنگی فرابخشی تدوین و اجرا شوند. نتیجه این وضعیت، اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت و واکنشی است که نتوانند با تغییر اقلیم سازگار نشینند، بلکه در بسیاری موارد آسیب‌پذیری اقلیمی را تشدید می‌کنند.

چالش دیگر، فقدان سیاست‌گذاری مبتنی بر تفاوت‌های منطقه‌ای است. با وجود تفاوت آشکار در میزان حساسیت اقلیمی میان جنوب‌شرق، فلات مرکزی و مناطق شمالی کشور، سیاست‌های ملی غالباً یک‌ساز است و غیرمکان‌محور طراحی می‌شوند. این رویکرد، برخلاف اصول سیاست‌گذاری نوین اقلیمی است که بر «سیاست‌گذاری مبتنی بر مکان» و توجه به ویژگی‌های بومی هر منطقه تأکید دارد. نادیده‌گرفتن این تفاوت‌ها، کارایی سیاست‌ها را کاهش داده و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سازگاری را افزایش می‌دهد. این وضعیت باعث شده سیاست‌گذاری اقلیمی در کشور بیش از آنکه مبتنی بر تصویر کلان و یکپارچه از ریسک‌های اقلیمی باشد، متکی بر واکنش‌های مقطعی به بحران‌ها باقی بماند؛ برای مثال، خشکسالی‌ها اغلب به‌عنوان پدیده‌های کوتاه‌مدت و استثنایی تلقی می‌شوند، نه به‌عنوان جلوه‌ای ساختاری از تغییر اقلیم. در غیاب جمع‌بندی علمی منسجم، ارتباط علمی میان افزایش دما، کاهش بارش مؤثر، افت منابع آب و تشدید تنش‌های اجتماعی به‌طور کامل در فرایند سیاست‌گذاری بازتاب نمی‌شود. این خلأ، یکی از عوامل اصلی تداوم سیاست‌هایی است که عملاً با واقعیت‌های اقلیمی کشور ناسازگارند.

در همین راستا، یکی دیگر از چالش‌های کلیدی، نبود یک برنامه جامع، رسمی و الزام‌آور مدیریت تغییر اقلیم در سطح ملی است. اگرچه در اسناد بالادستی به‌طور پراکنده به تغییر اقلیم اشاره شده و اقداماتی مانند: ارائه برنامه راهبردی ملی تغییر اقلیم، برنامه‌های بخشی در حوزه آب و محیط‌زیست وجود دارد، اما هنوز فاقد یک چهارچوب جامع سیاستی هستند که به‌طور شفاف اهداف، اولویت‌ها، تقسیم‌کار نهادی، سازوکارهای تأمین مالی و شاخص‌های ارزیابی عملکرد در حوزه تغییر اقلیم را مشخص کند. از منظر سیاست‌گذاری عمومی، این خلأ به معنای فقدان «ستون فقرات نهادی» برای حکمرانی اقلیمی است. نبود برنامه جامع مدیریت تغییر اقلیم به‌شده سیاست‌های مرتبط با آب، کشاورزی، انرژی، توسعه شهری

دکتر احمد روشنی
عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی

تغییر اقلیم در ایران دیگر صرفاً یک مسئله علمی یا محیط‌زیستی نیست، بلکه به یک مسئله سیاسی تبدیل شده است. با پیامدهای مستقیم برای امنیت آب، غذا، سلامت عمومی و ثبات اجتماعی تبدیل شده است. از منظر سیاست‌پژوهی، تغییر اقلیم در زمره «مسائل پیچیده حکمرانی» قرار می‌گیرد؛ مسائلی که با عدم قطعیت علمی، تعارض منافع بخشی، افزایش زمانی بلندمدت و ضعف ظرفیت‌های برای تصمیم‌گیری مواجهند. در ایران، این پیچیدگی با شرایط اقلیمی خشک و نیمه‌خشک، رشد شهرنشینی، مهاجرت‌های جمعیتی، وابستگی اقتصادی به منابع طبیعی و محدودیت‌های ساختاری در نظام سیاست‌گذاری تشدید شده است. شواهد علمی نشان می‌دهد روند افزایش دما در ایران بیشتر از میانگین جهانی بوده است. تحلیل داده‌های بلندمدت ایستگاه‌های هواشناسی و خروجی مدل‌های اقلیمی حاکی است متوسط دمای کشور از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون بیش از ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته و در برخی مناطق این مقدار حتی بالاتر گزارش شده است. این در حالی است که میانگین افزایش دمای جهانی حدود ۱٫۱ درجه سانتی‌گراد برآورد می‌شود. چنین وضعیتی از منظر سیاست‌گذاری، به معنای افزایش ریسک‌های اقلیمی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر از آن چیزی است که در اسناد بالادستی پیش‌بینی شده است.

در این میان، نواحی جنوب‌شرق و سپس نواحی داخلی کشور، حساسیت اقلیمی به‌مراتب بیشتری نسبت به سایر مناطق کشور دارند. استان‌های سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان و بخش‌های شرقی هرمزگان به دلیل اقلیم فرارخشک، وابستگی شدید به منابع آب محدود و شکنندگی نظام‌های معیشتی، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر افزایش دما و تشدید موج‌های گرمایی و شاخص‌های جدی تغییر اقلیم تجربه می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد نرخ افزایش دما در این ناحیه در برخی دوره‌ها به حدود ۰٫۴ تا ۰٫۵ درجه سانتی‌گراد در هر دهه رسیده است؛ رقمی که پیامدهای مستقیم آن در کاهش تاب‌آوری زیست‌محیطی، افزایش مهاجرت‌های اجتماعی و تهدید امنیت غذایی و سلامت عمومی قابل مشاهده است. از منظر سیاست‌گذاری، جنوب‌شرق ایران نمونه‌ای روشن از تنازلی میان ظرفیت اکولوژیک و الگوهای توسعه‌ای است. نواحی داخلی نیز به‌عنوان دومین کانون آسیب‌پذیری اقلیمی شناخته می‌شوند. استان‌هایی مانند یزد، اصفهان، قم، سمنان و بخش‌هایی از خراسان، به دلیل حاکمیت شرایط خشک و نیمه‌خشک، کاهش بارش و ذخیره آب، آفت‌شنیدایی آب‌های زیرزمینی، تمرکز فعالیت‌های صنعتی و رشد سریع شهرنشینی، در برابر افزایش دما و کاهش بارش بسیار آسیب‌پذیرند. در این مناطق، تغییر اقلیم نتایج‌ایک تهدید محیط‌زیستی، بلکه عامل تشدیدکننده بحران‌های موجود آب و نشست‌زمین و نابودی اقتصادی است. از دید سیاست‌پژوهی، این مناطق با «ریسک انباشته اقلیمی توسعه‌ای» مواجهند که در صورت تداوم سیاست‌های فعلی می‌تواند به بحران‌های غیرقابل بازگشت منجر شود.

با وجود شواهد علمی روشن، سیاست‌گذاری اقلیمی با چالش‌های ساختاری متعددی روبروست. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، شکاف میان تولید دانش علمی و فرایند تصمیم‌سازی است. یکی از

کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک: سارا کریمی فرزند ابوالقاسم دارای شناسنامه ۰۰۱۳۶۳۸۹۷۱
صادره تهران مدرک مهندسی برق قدرت صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی - ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک - شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء (ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

اصل گواهی‌نامه موقت پایان دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته آموزش ریاضی اینجناب مطهره کشینی فرزند حرمت با شماره شناسنامه ۱۲۹۳ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک ۳۸۸۲۵۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت علی قهقهه زاده فرزند فلامرز به شماره شناسنامه ۱۷۵۵۹۶۵۴۳۵ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی تعمیرات نیروگاه‌ها صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۴/۱۲/۹۴۷۱/۳ مورخ ۱۳۸۴/۰۹/۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت زینب عیابی مهلهلی فرزند عبدالرضا به شماره شناسنامه ۱۷۴۲۱۸۷۶۶۸ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره

مدرک فارغ‌التحصیلی مهدیس بهیانی‌زاده فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه ۱۷۴۲۴۱۱۸۸۶ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی شهرسازی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۶۹۸۱۰۶۰۳۲۷۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت زینب عیابی مهلهلی فرزند عبدالرضا به شماره شناسنامه ۱۷۴۲۱۸۷۶۶۸ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره